**برای کتاب خوانان و کتاب جویان/ مجموعه آثار فارسی سهروردی**

**ریاحی، محمد امین**

حکیم و متفکر بزرگ،شهاب الدین یحیی سهروردی شهید،معروف به«شیخ‏اشراق» از آن بزرگمردان اندیشه و فرهنگ ایرانی است که هنوز قدر او را بسزا نشناخته ایم.

سهروردی شهید در قرن ششم که روزگار اوج اعتلای فرهنگ ایرانی اسلامی بود ظهور کرد.او از مردم سهرورد زنجان بود.

در 549 در سهرورد بدنیا آمد،در مراغه و اصفهان درس خواند و بکمال رسید و پس از سالیانی سیروسفر،سرانجام در حلب منزل گزید و بسال 587 در بهار جوانی که‏ هنوز 38 سال بیش نداشت به فتوای عالم نمایان ظاهر پرست ظاهر بین به شهادت رسید.

سهروردی عارفی است حکیم،و حکیمی عارف که در همان عمر کوتاه طرح نوی در فلسفه و عرفان در انداخت که بنام خود او معروف است.او فلسفه و عرفان را بهم آمیخت و عشق را چاشنی عقل کرد و با استفاده از افکار افلاطون و هم مشربان او،و برخورداری از میراث فلسفی ایرانیان باستان حکمت اشراقی را در برابر حکمت مشائی از نو بنیاد نهاد. سهروردی بی‏تردید یکی از بزرگترین فیلسوفان جهان است،و از نظر تحقیق در تاریخ فکر و فلسفه در ایران هم این اهمیت را دارد که از افکار حکمای ایران باستان استفاده‏ کرده و حکمت خسروانی و فهلوی ایرانیان را زندگی تازه‏ای داده است.خود او در مقدمهء حکمت اشراق گوید:«از طریقت مشرق دربارهء نور و ظلمت که طریقهء حکمای ایران مثل‏ جا ماسب و فرشا و شتر و بزرگمهر و آنان که پیش از این فیلسوفان میزیسته‏اند بهره جستم و غیر از طریقهء مجوس و مانی و جز از مسائلی است که به شرک منجر می‏شود».در آثار او پاره‏ای از اصطلاحات کهن فلسفی چون بهمن،خره،هورخش و غیره آمده است.از آن جمله گویند:

«نوری از معطی تأیید است که نفس و بدن بدو قوی و روشن گردد در لغت پارسیان«خره» گویند وآنچه خاص ملوک باشد آن راکیان خره گویند»(صفحهء 186 مجموعهء آثار)«و معنی کیان خره دریافت و آن روشنیی است که در نفس قاهر پدید آید که سبب آن گردنها او را خاضع شوند»(187)«و هرکه حکمت بداند و بر سپاس و تقدیس نوار الانوار مداومت‏ نماید چنانکه گفتیم او را خرهء کیانی بدهند و فر نورانی ببخشند»(181)«برسند به نور تأیید و ظفر چنانکه ملوک پارسیان رسیدند،(185).

چنانکه در مقدمهء فرانسوی کتاب(ص 147)اشاره شده این پیوند و آشنائی سهروردی‏ با فسلفهءباستانی ایران ناشی از نزدیکی سهرورد زادبوم او به شیز پایتخت ساسانیان،و تحصیل او در مراغه در آن نواحی است که بعد از اسلام نیز هنوز سنتهای فکری ایرانی در آنجا پا بر جای بوده است.

یکی از علل اهمیت سهروردی،این است که قسمت عظیمی از افکار فلسفی و عرفانی‏ خویش را بزبان فارسی و بشیوه‏ای هرچه نغزتر روان‏تر بیان کرده است و در این‏باره‏ دکتر نصر در مقدمه کتاب(ص 39)بحق چنین می‏نویسد:

«هیچگاه در تاریخ هزار سالهء نثر فارسی کسی به این روانی از مباحث فلسفی سخن‏ بمیان نیاورده است».

رساله‏های فارسی سهروردی بطور پراکنده در مجموعه‏های خطی آمده و تعدادی از آنها نیز در گوشه و کنار بچاپ رسیده ولی حق این بود که مجموعهء این آثار بصورت کتاب‏ واحدی تدوین و چاپ گردد تا امکان استفاده از اندیشه‏های فلسفی و عرفانی و نکات لغوی‏ و ادبی آثار او برای فارسی زبانان فراهم گردد.

این آرزو را دکتر سید حسین نصر استاد دانشمند دانشگاه جامهء عمل پوشانیده و برای‏ نخستین بار مجموعهء آثار فارسی سهروردی را یکجا تدوین و تصحیح و جزو«گنجینهء نوشته‏ های ایرانی»از انتشارات قسمت ایرانشناسی انستیتوی پژوهشهای علمی در ایران منتشر ساخته که در آن علاوه بر 460 صفحه متن یک مقدمهء فارسی از خود او و یک مقدمهء فرانسوی‏ از هنری کربین ایرانشناس فرانسوی ضمیمهء کتاب است.

متن آثار فارسی سهروردی بر دو قسمت شده،پس اول سه رسالهء فلسفی سهروردی‏ است بنامهای:«پرتو نامه-هیاکل النور-الواح عمادی»،و بخش دوم ده رسالهء عرفانی اوست‏ بنامهای:«رسالة الطیر-آواز پر جبرئیل-عقل سرخ-روزی با جماعت صفویان-فی‏حالة- الطفولیة-فی حقیقة العشق یا مونس العشاق-لغت موران-صفیر سیمرغ-بستان الغلوب یا روضه القلوب-یزدان شناخت»و رسالهء الابراج به عربی.یک چهارم از متن شامل دو رسالهء هیاکل النور،و الواح عمادی نخستین بار است که معرفی و چاپ می‏شود.و اولی از نسخهء یگانهء مورخ 726کتابخانهء فاتح استانبول،دومی از نسخهء منحصر بفرد مورخ 663 کتابخانهء یوسف آغا در استانبول.

دقتی که در تصحیح متن و همتی که در تدروین آثار پراکندهء سهروردی بصورت یک‏ مجموعه واحد بکار رفته است موجب گردیده که با نشر این کتاب سهروردی برای نخستین بار چنانکه هست معرفی شود و جای خود را در ادب و لغت و عرفان و فلسفه ایران بازیابد. کوشش دکتر نصر در تدوین و نشر این کتاب شایستهء تقدیر است و مقدمهء مفصل او در بارهء زندگی سهروردی و آثار او و معرفی حکمت اشراق و تجزیه و تحلیل و رسائل او نمونه ایست از دقت علمی و وسعت دانش و نظر،و نشانهء تسلط بر فرهنگ اسلامی ایرانی،و فرهنگ جدید غربی.

دکتر نصر سالها استاد دانشگاه‏ها روارد و دانشگاه آمریکائی بیروت بوده و تاکنون‏ صدها مقاله علمی و تحقیقی بزبانهای فارسی و عربی و انگلیسی و فرانسوی در بزرگترین‏ مجلات علمی منتشر نموده و وجودش در مجامع علمی بین‏المللی مایع آبروی ایران بوده‏ است.از آثار او کتب«سه حکیم مسلمان»بترجمهء احمد آرام(از اصل انگلیسی که جزو انتشارات دانشگاه‏ها روارد بچاپ رسیده)،و نظر متفکران اسلامی دربارهء طبیعت و رسالهء سه‏ اصل بانضمام منتخب اشعار محمدبن ابراهیم شیرازی و نیز اخیرا مجموعه‏ای از مقالات فارسی‏ او انتشار یافته است.

نکته‏ای که دربارهء دکتر نصر باید گفت این است که او نیمی از دبیرستان و همه‏ تحصیلات عالی را در خارج گذرانیده،و با اینهمه در احاطه به معارف اسلامی و ایرانی کم‏ نظیر است.و در این روزگار که درس خواندگان خارج یکباره دست و دل از زبان و فرهنگ‏ ایرانی می‏شویند،و بیچاره‏ها چیزی از فرهنگ غرب بدست نیاورده شخصیت ایرانی خود را گم می‏کنند وجود دکتر نصر با این وقوف و تسلط در معارف شرقی و شور و عشق بسنن و مظاهر فرهنگ ملی موجب امیدواری است و نمونه کاملی است از دانش آموختگان‏ ایرانی خارج از ایران باید باشند.

محمد امین ریاحی

دیوان کهنهء حافظ

از روی نسخه‏ای خطی نزدیک به زمان شاعر به تصحیح و تحقیق

ایرج افشار-از انتشارات ابن سینا بها 250ریال

تهیهء این کتاب مستطاب بر حافظ خواهان و حافظ خوانان واجب عینی است.نسخه‏ بدل‏های لازم را ایرج افشار در حاشیهء صفحات آورده نه در ذیل صفحات،و این ابتکاری است‏ در خور تحسین و تقلید.

به نظر می‏آید در بعضی از موارد نسخه بدل‏ها بر متن ترجیح دارد اما ایرج افشار نخواسته‏ که متن را تغییر دهد و حق با اوست،مگر در مواردی که بطور قطع و یقین اشتباه کتابتی است. چون این بیت در غزل 46

مباش بی می و معشوق زیر طاق سپهر بدین ترانه غم از دل برون توانی کرد

که«بدر»درست است چون قافیهء غزل است.

بعضی از نسخه بدل‏ها هم بهتر بود نقل نمی‏شد.مانند بیت 2 در غزل 54:

و گر به ره گذری یک دم از هواداری‏ چو گرد در پیش افتم چو باد بگریزد

که«وفاداری»بجای«هواداری»شایسته نیست.ایرج افشار نسخهء خود را با چند نسخه‏ مقابه فرموده از جمله با نسخهء خطی کتابخانهء مجلس،و از نمونه‏هائی که یاد کرده معلوم می‏شود که نسخهء مجلس ارزش تطبیق را ندارد.

دیوان کهنهء حافظ از کتاب‏های با ارزش سال 1348است.